

شعر منتشر نشده از شهریار(?) که در زمان حیاتش اجازه چاپ نداشت؟! شعرى سياسى و ناياب از استاد شهریار که هر بیت آن با بیان حال و روز شوم این دیار، هر ایرانی را به جایگاه اصیل خود باز میگرداند...

جای آن دارد که ریزد؛ خون ز چشم روزگار/
در عزای کشورِ دارا و خاک مازیار_____

میهنِ برزین و خاکِ برمک و مُلکِ قُباد/
کشورِ آذرگُشسب و سرزمینِ شهریار_____

پایگاه پاکدینان، مأمَن آزادگان/
سرزمین رستم و جولانگه اسفندیار_____

مسکن ابن مقفع، جایگاه بوعلی/
پرورشگاه سنایی، معرفت را بود و تار_____

مهدِ بو مسلم، که از شمشیر و از تدبیر او/
در کف عباسیان آمد زمام اختیار_____

بیشه‌ی یعقوب لیث، آن شیر میدان‌های جنگ/
آنکه نامش هست تا پایان عالم استوار_____

زادگاه سریداران؛ کز پی کسب شرف/
از وطن کردند اقوام مغول را تار و مار_____

یا رب این ایران من؛ با آنهمه قُرُ و شُکوه/
یا رب این ایران من؛ با آنهمه عز و وقار_____

اینچنین پر بسته و دلخسته و زار و نژند/
اینچنین افسرده و پژمرده و زار و نزار_____

ای زبانم لال، گردد نام فردوسی خفیف/
ای دو چشمم کور، کُافتند؛ نام حافظ ز اختیار_____

شاه مردی رفت و در دنبالش آمد گنده دزد/
تاجداری رفت و آمد در پیش عمامه دار_____

چکمه پوشی رفت و آمد بعد از آن نعلین پوش/
شهسواری رفت و آمد در پی او خر سوار_____

هر طرف دستار می‌بینی رُسن اندر رُسن/
هر طرف عمامه‌ها یابی قطار اندر قطار_____

اشکم این لاشخورها؛ کی بُود سیری پذیر/
کی بُود در کار این دُستار بندان بند و بار_____

در لباس دین؛ ولی این عدهء دنیا پرست/
در پی تاراج ملت؛ بدتر از قوم تتار_____

بهر تقسیم غنائم؛ با هم اندر کشمکش/
بهر توزیع مناصب؛ با هم اندر گیر و دار_____

نغمه ی وا محنتا گردیده از هر سو بلند/
بانگِ واویلا به گوش آید؛ ز هر شهر و دیار_____

تیربارانهای دائم؛ بر خلاف حکم شرع/

کُشت و کُشتارِ مداوم؛ عَکسِ امرِ کردگار _____

ابلهی بر ملک خوزستان زَند دیوانه و ش/
احمقی در خاک کردستان کُشد دیوانه وار _____

اینهمه آدمکشی با نام اسلام ای دریغ/
اینهمه غارتگری با نام اسلام ای هوار _____

نیستند ایرانی اینها؛ از عرب هم بدترند/
چون عرب را باشد از فرهنگ ایران افتخار _____

دوستی هاشان بود با خصم ایرانی عیان/
دشمنی هاشان بود با خلق ایران آشکار _____

فَرّ یزدانی خرد؛ بر فرقشان مانند پُتک/
پرچم ایران رود در چشمشان مانند خار _____

گشته بوعمار و بوهانی و صدها گند بو/
جانشین بویه و سیبویه و آل زیار _____

ارزش ریش این زمان در دیده بیرون از حساب/
قیمت پشم این زمان در دیده بیرون از شمار _____

بینم آن روزی که آید نوبت مُلا کُشی/
میکند آخوند بی نعلین از هر سو فرار _____

ابلهان را محفل است این؛ یا بود دار الشیوخ/
خبرگان را مجلس است این؛ یا بود بیت الحمار _____

کسب قدرت میکنند اما برای نَفَس خویش/
وضع قانون میکنند اما برای انحصار _____

کی وطن در چنگ این خودکامگان یابد سکون/
کی وطن در دست این نابخردان گیرد قرار _____

ای که هستی در دیار ما حقیقت را ستون/
ای که هستی تو در این کشور شریعت را مدار _____

ملت ایران ما چون گوش بر فرمان توست/
خلق آذربایجان چون باشدت فرمانگزار _____

دشمنان خلق ایران را ز دور هم بران/
دوستانِ ملک ایران را به گرد هم بیار _____

نیست باکی گر که جانم را بگیرند این خسان/
نیست پروایی شود گر پیکرم بالای دار _____

زانکه من جز نام ایرانی نمیآرم به لب/
زانکه من جز بهر ایرانی نمیگویم شعار... _____

#شهریار#